



## درس آیات الأحكام استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶

موضوع کلی: آیات الأحكام (خمس)

مصادف با: ۴ ربیع الاول ۱۴۳۵

موضوع جزئی: غنیمت در روایات - روایات معارض

جلسه: ۱۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

اجمال بحث گذشته این بود که غنیمت در روایات هم به معنای مطلق فائده و منفعت است، چند روایت را در این رابطه بیان کردیم اگر بخواهیم این روایاتی که گفتیم دسته بندی کنیم یک دسته از این روایات، روایاتی بود که در مقام تبیین معنای غنیمت وارد شده بود یا اگر هم در این مقام هم نبودند به نوعی در بین مطالبی که از امام (ع) وارد شده غنیمت را تفسیر به مطلق فائده کردند، لکن این روایات دلالتاً خوب بود اما از حیث سند خالی از اشکال نبود.

### روایات معارض:

یک دسته دیگر از روایات، روایاتی است که موارد تعلق خمس را ذکر کرده یعنی مواردی که خمس در آنها واجب است، مثل معدن، غوص، کنوز و ارباح مکاسب و تجارات و... تقریب استدلال به این روایات این است که این مواردی که در این روایات نام برده شده از باب صدق غنیمت بر آنهاست، یعنی مصادیق غنیمت را ذکر کرده اند و مفهوماً غنیمت را تفسیر نکرده. لذا این روایات را هم می توانیم دال بر این بدانیم که معنای غنیمت یک معنای عام است و مطلق فائده و منفعت را در بر می گیرد، البته ممکن است این مطلب در مورد همه روایات در اینجا صدق نکند ولی بعضی از این روایات چنین ظهوری دارد که ذکر موارد به عنوان مصداق غنیمت است. به هر حال می توانیم بگوئیم که در روایات غنیمت به معنای مطلق فائده و غنیمت وارد شده، لکن مشکله ای غیر از مشکل سندی که گفتیم وجود دارد و آن هم وجود روایات معارض است.

بعضی روایات در مقابل اینها دلالت می کند بر اینکه منظور از غنیمت خصوص غنائم جنگی است، یعنی دلالت می کند بر اینکه آنچه که در اثر حرب و قتال اخذ شود به آن غنیمت اطلاق می شود و به مطلق فائده و منفعت غنیمت اطلاق نمی شود، از جمله:

### روایت اول:

صحیحه عبدالله ابن سنان؛ «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ لَيْسَ الْخُمْسُ إِلَّا فِي الْغَنَائِمِ خَاصَّةً» طبق این روایت خمس فقط در غنیمت واجب است، حصر خمس در غنائم دلالت بر این دارد که در غیر غنائم خمس واجب نیست و منظور از غنیمت، غنیمت جنگی است، چون اگر مراد از غنائم در این روایت مطلق فائده و منفعت بود دیگر وجهی برای حصر وجود نداشت، آن هم با تأکید به لفظ خاصه در کنار ادات حصر، لَيْسَ الْخُمْسُ إِلَّا فِي الْغَنَائِمِ خَاصَّةً این حصر نشان دهنده این است که مراد از غنیمت خصوص غنائم جنگی است.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱، ح ۷۴ / وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۸۵، باب ۲ از ابواب ما یجب فیه الخمس ح ۱.

این استدلال به نظر می رسد صحیح نیست یعنی این روایت معارض با روایاتی که دلالت می کند بر اینکه غنیمت به معنای مطلق فائده است، نمی باشد.

این روایت دو توجیه دارد که آن را از معارضه خارج می کند، یکی اینکه حصر مذکور در این روایت یک حصر اضافی است، حصر اضافی در مقابل حصر حقیقی است، حصر حقیقی یعنی اینکه مطلقاً لا بالنسبه الی امر الخاص محصور می شود، اما اینجا حصر **بالإضافة الی شیء آخر** منظور است، آن شیء آخر و آن چیزی که ما **بالإضافة الیه** ادعا می کنیم حصر نسبت به آن صورت گرفته، آن چیزهایی است که **یملکهُ الإنسان بالإشتراء بلا ربح و فائده**، مثلاً کسی خرید و فروشی می کند ولی هیچ ربح و سودی در آن معامله نصیب او نمی شود، پس در اینجا این شخص مالک چیزی شده که در اثر آن معامله بدست آورده ولی سودی نکرده، این برای خارج کردن آن چیزهایی است که **یملکهُ الإنسان بالإشتراء بلا ربح و فائده**.  
به هر حال این روایت می خواهد بگوید **لیس الخمس الا فی ما یتملکهُ الإنسان مع الربح** نه هر چه را که انسان مالک می شود **ولو لم یکن فیهِ ربحاً**.

اگر این را نپذیریم توجیه دیگری ذکر می کنیم که این هم مبتنی بر حصر است ولی در این توجیه آن چیزی که **بالإضافة الیه** ادعا می شود حصر نسبت به آن اضافی است **فیء و انفال** است.

**لِیْسَ الْخُمْسُ إِلَّا فِی الْغَنَائِمِ خَاصَّةً** می خواهد بگوید خمس فقط در منافع و فوائدی که نصیب انسان می شود واجب است اما در **فیء و انفال** واجب نیست چون همه **فیء و انفال** مال امام است و خمس در آنجا واجب نیست، پس حصر خمس در غنائم به اعتبار و اضافه **فیء و انفال** است که در آنها خمس واجب نیست و همه مال امام است، بنابراین حصر در اینجا حصر اضافی است.

پس اگر ما حصر را حصر اضافی بدانیم دیگر این روایت، معارض روایات قبلی نخواهد بود.

#### روایت دوم:

«سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْجَارُودِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَتَاهُ الْمَغْنَمُ أَخَذَ صَفْوَهُ وَكَانَ ذَلِكَ لَهُ ثُمَّ يَقْسِمُ مَا بَقِيَ خُمُسَةَ أَخْمَاسٍ وَ يَأْخُذُ خُمُسَهُ ثُمَّ يَقْسِمُ أَرْبَعَةَ أَخْمَاسٍ بَيْنَ النَّاسِ الَّذِينَ قَاتَلُوا عَلَيْهِ ثُمَّ قَسَمَ الْخُمْسَ الَّذِي أَخَذَهُ خُمُسَةَ أَخْمَاسٍ يَأْخُذُ خُمْسَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِنَفْسِهِ ثُمَّ يَقْسِمُ الْأَرْبَعَةَ الْأَخْمَاسَ بَيْنَ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ أَبْنَاءِ السَّبِيلِ يُعْطَى كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ جَمِيعاً وَ كَذَلِكَ الْإِمَامُ يَأْخُذُ كَمَا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)» امام صادق (ع) می فرمایند: وقتی غنیمتی نزد پیامبر (ع) می آوردند صفایای آن را اخذ می کرد بعد مابقی را به پنج قسمت تقسیم می کرد، یک پنجم آن را می گرفت بعد چهار پنجم آن را بین مقاتلین و مجاهدین تقسیم می کرد، بعد یک پنجمی را که اخذ کرده بود آن را هم پنج قسمت می کرد، یک پنجم که مربوط به خدا و رسول بود اخذ می کرد، بقیه را که یک چهارم می شد بین چهار گروه تقسیم می کرد، ذوی القربی، یتامی، مساکین و ابناء السبیل.

از این روایت ملازمه بین غنیمت و مقاتله استفاده می شود، مستدل ادعا می کند که **إِذَا أَتَاهُ الْمَغْنَمُ** پیامبر چهار پنجم از این را بین مقاتلین تقسیم می کرد. لفظ **مغنم** که در این روایات آمده مشتق از **غنم** است و ماده اش با غنیمت یکی است ولی می

فرماید پیامبر این را بین مقاتلین تقسیم می کرد و این نشان می دهد منظور از **مغنم** آن چیزی است که در قتال بدست آمده پس لفظ **مغنم** و آنچه که مشتق از این ماده است ملازمه دارد با قتال و حرب و مجاهده، یعنی غنیمت به معنای غنیمت جنگی است و به معنای مطلق فائده نیست.

#### **بررسی:**

به نظر می رسد این روایت هم از این جهت قابل استدلال نیست و هیچ منافاتی با آنچه که ما گفتیم ندارد، چون از این روایت ملازمه بین غنیمت و قتال و حرب استفاده نمی شود، نهایت این است که در این روایت لفظ **مغنم** در غنیمت جنگی استعمال شده اما این به این معنا نیست که این لفظ به معنای خصوص غنائم جنگی باشد و با این حساب هیچ تعارضی با آنچه که ما قبلاً گفتیم ندارد و اثبات نمی کند که به نحو موجه کلی است که بین لفظ **مغنم** و قتال و حرب ملازمه وجود دارد.

#### **نتیجه بحث در امر ثالث:**

همه این بحث ها برای این بود که معنای **ما غنمتم** معلوم شود، ابتدا غنیمت را در لغت معنا کردیم، در استعمالات قرآنی هم معنای غنیمت را دانستیم، در استعمالات روائی هم همانطور که بیان شد حداقل آن است که غنیمت به معنای خصوص غنائم جنگی نیست، و اساس کلام هم همین است و ادعای ما این است که غنیمت به معنای مطلق فائده و منفعت است.

#### **بحث جلسه آینده:**

برای تکمیل و متمیم بحث اشاره مختصری به عبارات فقها و مفسرین هم می کنیم که ببینیم فقها و مفسرین عامه و خاصه از غنیمت چه استفاده ای کرده و غنیمت را به چه معنا گرفته اند که انشاءالله در جلسه آینده بحث خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»